

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Martyrs

جان بازان

جانباز کوهدامنی- تورنتو

۱۱.۰۶.۰۹

مقاله حاضر در محفلی که به تاریخ هفتم ماه جون سال ۲۰۰۹ میلادی به مناسبت روز شهداء در شهر هملتون - کانادا دایر شده بود از طرف نویسنده قرائت گردید :

## به مناسبت بزرگداشت بیست و نهمین سالروز شهادت مجید کلکانی

نخست از همه اجازه دهید نقل قولی از " ندای آزادی " شماره اول ، سال اول مورخ عقرب سال ۱۳۵۹ هجری شمسی بیاورم :

" مجید ، مردی که از قلب جامعه برخاست، مردی که با رزمنده گیها، شجاعت ها و دانش ژرفش قلب ملتی را تسخیر نمود، ملتی که اراده، دلاوری و ایمانش را در وجود شایسته ترین فرزند انقلابیش دمید تا او را قهرمان افسانه یی رزم کنونی خویش سازد. مجید با رنج زیست و با ستم جنگید تا آنجا که بی رقیب ترین و محبوب ترین مرد ملت خود گردید. او سازمان آزادیبخش مردم افغانستان ( ساما ) را بنیاد گذاشت ، سازمانی که در پیشاپیش نبرد ملت با دشمن ایستاده است، ساما با نام مجید جاودانه پیوند خورده است و تا کنون همه ثمرات مبارزه اش را مرهون مجید است و شهادت افتخار آمیز او هنوز هم ( ساما ) را با مردمش بیشتر با خون پیوند داد. یادش گرامیست و سیمایش جاودانی!!"

یاد بود از دلیران سر به کف مردم که آزادانه در راه آزادی کشور از یوغ امپریالیسم خون آشام روس و باند جنایت پیشه آن جانهای شیرین شان را هدیه آزادی میهن و هم میهنان خود کردند، ضرورتی است انصراف نا پذیر تا تجدید تعهد از پیش کسوتان راه آزادی و به خصوص از یک ملیون شهیدی صورت بگیرد که سر فرازانه جان باختند.

شهید مجید طی نوشته ای زیرعنوان " روس اشغالگر در سرانسیب رسوایی و تنباهی " در رابطه با تجاوزقشون شوروی دیروز ، ضمن نشر اعلامیه ای در سال ۱۳۵۸ خورشیدی چنین گفت :

" شامگاه ششم جدی ۵۸ ، امپریالیسم جنایت پیشه روس ، با اشغال نظامی عریان کشور ما "ببرک" این میهن فروش رسوا را به چاکری برگزید. اعتراف نامه ننگین چاکری " دربارمل" دیروز و "تزارمل" امروز به مثابه سند کبیر تاریخی - نیمه شب از بلند گوه های روسی به جهان پخش گردید و فردا " شاه شجاع " روسی درحصار نیرو های اشغالگر تاج خون آلود بردگی را بر سر نهاد. تقاضای کمک عاجل نظامی که بعد از لشکر کشی و تجاوز رهنانه امپریالیسم روس صورت گرفت ،

**اگر حقایق را از نظر جهانیان باز هم موقتاً مستور بدارد ، به چشم ملت افغانستان نه میتواند خاک بپاشد "**

شهید عبدالجید کلکانی در جوزای سال ۱۳۵۹ خورشیدی به دستور مستقیم سردمداران امپریالیسم روس و باند جنایت پیشه ای که به انگشت شیدانه روس می رقصیدند و در رأس آن وطنفروش معروف (ببرک شید) قرار داشت ، به شهادت رسید. روحش شاد و راهش پر رهرو باد!

شهید عبدالجید کلکانی مردی بود که با از خودگذری، صداقت ، فروتنی ، پشت کار و دانش عمیق علمی و تجربی ، ویژگی به خصوص آن ، آشتی نا پذیریش با دشمنان رنگارنگ مردم بود ، قلب ملتش را تسخیر نموده بود، که حرف مجید انعکاس آوای مردم در زنجیر کشیده و در بندش و ایمان مجید ، ایمان مقاومت مردمی که تا پای جان به خاطر آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی در مقابل بزرگترین ابر قدرت جهانی (امپریالیسم روس) و باند جنایتکار آن جنگیدند تا امپریالیسم روس را با شکست مفتضحانه از وطن آبایی خود بیرون کردند و باند جنایت پیشه آنها را نا بود نمودند ، اما صد افسوس که آزادی مردم از طرف دزدان سر گردنه یعنی ارتجاع سیاه و حامیان بین المللی آنها به یغما برده شد.

اگرچه تجاوز بیشرمانه روسها با مقاومت مردم به شکست مواجه شد و اما نیرو های تاریک اندیش تنظیمی ، دست آورد های انقلابی مردم را دزدیدند و بالاخره با پشتیبانی قدرت های خارجی ، به دم و دستگاه قدرت دولتی تبدیل شدند.

با تشکیل حکومت موقت اسلامی، قربانی عظیم انسانی را که مردم ما متقبل شده بودند، نه تنها که آنها از دست دادند ، بلکه خواسته های آنها با اعمال کریه و نا بخشودنی که از حکومت موقت سر زد، قدم به قدم موجب دوری و دلسردی مردم نیز گردید. خصوصیت جنایت پیشگی و ضد انسانی بودن گروه های افراطی تنظیمی ، پیشاپیش برای مردم خبیر و دانشمند جامعه ما شناخته شده بود.

چنانکه شهید مجید قبل از آنکه این گروهها به قدرت برسند، در باره آنها چنین اظهار کرده بود: " گذشته از این ارتجاع مردود ، با خزیدن در صف پیکار خلق و سوء استفاده از معتقدات ملت مسلمان ما تلاش دارد با تخطئه، گرایش راستین ترقی خواهی و با دامن زدن تفرقه در جبهه خلق، نبرد آزادیبخش ملی را که با عبور از دریا های آتش و خون به سوی قلعه پر افتخار پیروزی ره می گشاید، تضعیف نماید، درحالیکه تجارب سرتاسر جامعه بشری و من جمله نیرو های ضد امپریالیستی پارینه خلق ما، به بهای خون هزاران فرزند پاک باز این سرزمین موید این حقیقت است که آزادی ملی بدون دموکراسی واقعی، عدالت اجتماعی و گرایش مترقی جزاسارت نوین و ضیاع خون های ریخته شده پیامدی نداشته و نخواهد داشت " (اعلامیه ساما - سرطان سال ۱۳۵۸ خورشیدی )

تراژیدی برای مردم افغانستان در همینجا به پایان نرسید تا اینکه از آستین توطئه با تمویل امریکا ، سعودی و انگلیس و آی اس آی پاکستان ، نیروی سیاهکار، مرموز، مجهول و بی هویتی به نام "طالب" در سال ۱۹۹۵ میلادی بر مقدرات ملت به خون خفته ما حاکم ساخته شد. صدمات این نیروی مزدور ، لجام گسیخته و جهمی ، فلج کردن سیستم اقتصادی کشور، به راه انداختن وحشت به وسیله آنها و هزاران جنایت دیگر که همه نتایج به قدرت رسیدن طالبان بود و محیط جهمی در افغانستان ایجاد نمود که شرح و تفصیل آنها همه میدانند و در اینجا مجال تکرار آن نیست .

واقعه یازدهم سپتامبر نیویارک ، پایان یک فصل و آغاز سیاست جدید در حوادث جهانی بود. چند ساعت پس از این حادثه ، رئیس جمهور ایالات متحده ، جنگ علیه تروریسم ، بن لادن و اسلام سیاسی را اعلام نمود. بدون شک این حادثه ، خدمت بزرگی به پیشبرد سیاست جهانی امریکا کرد . زیرا امریکا میخواهد به افکار عامه بقبولاند که مبارزه آن کشور علیه تروریسم است ، اما در اصل قصد آن، گسترش نفوذش در سراسر جهان و به خصوص در قاره آسیا میباشد . امریکا و متحدان آن در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ میلادی تجاوز لجام گسیخته ای را انجام داد و ببرک دیگر ( کرزی) را با ساز و برگ نظامی در کشور ما حاکم ساخت . یکی از دلایل ارائه شده برای این تجاوز، ظاهراً موجودیت "بن لادن" و " جنگ علیه تروریسم" در افغانستان بود.

اهداف امپریالیسم امریکا را قبلاً شهید مجید چنین توضیح کرده است: " در هرحال ، چه امپریالیسم روس به توطئه جدید و یا تشدید مداخله مستقیم متوسل شود و چه محافل رجعت گرا به پاداش بردگی امپریالیسم دیگری در کشور تسلط یابند، مبارزه خلق ما با توان و قاطعیت بیشتر تا دست یابی به آزادی واقعی و تأمین عدالت اجتماعی ، ضرورتاً ادامه خواهد یافت "

( اعلامیه ی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان- سرطان سال ۱۳۵۸ خورشیدی )

اما رژیم کرزی از کفایت و خرد سیاسی بر خوردار نیست ، چنانکه نا تو ، سازمان های ذیدخل و سایر مؤسسات بین المللی ظاهراً از شیوه کار و عملکرد رژیم او نا رضایتی خود را بیان داشته اند. امروز اوضاع در افغانستان متأسفانه چنانست که این کشور در جمله بزرگترین مولد مواد مخدر در جهان به حساب می رود و به هیچصورت راه جلوگیری از آن روشن نیست . چنانکه میشل شو سو دفسکی استاد در دانشگاه اوتا و ، تحت عنوان "فاشیسم قرن ۲۱ اینگونه از قاره امریکا سر بر آورد" چنین مینویسد :

"مخوف تر از سلاح شیمیایی و کشتار جمعی ، سلاحی در افغانستان تولید انبوه میشود که در پایان قرن بیست ، درآمد حاصل از آن بین صد تا دوصد ملیارد دالر تخمین زده میشود : تریاک و هیروئین . بزرگترین دغدغه ارتش و سازمان اطلاعات پاکستان پذیرش نقش گارد ویژه قاچاق مواد مخدر برای این ارتش و سازمان اطلاعاتی از سوی امریکاست . تجارت بین المللی مواد مخدر که سود سالانه آن به دهها ملیارد دلار سر می زند به اندازه تجارت نفت اهمیت پیدا میکند . از این لحاظ کنترل جیو پولتیک شبکه های مواد مخدر به همان اندازه کنترل لوله های نفت و گاز اهمیت استراتژیک دارد. از درون همین تجارت مرگ و رخوت ، حکومت های مرتجع مذهبی سر بر آوردند و جنبش های اسلامی از درآمد های حاصل از آن ارتزاق کردند. " ( صفحه ۲۶-جنگ و جهانی شدن )

ما کدام این را قبول کنیم ؟ نظریه نویسنده را و یا اینکه دولت کنونی افغانستان با هشتاد و پنج هزار سر باز خارجی و هزاران تن از عساکر داخلی قادر به جلوگیری از کشت و قاچاق مواد مخدر نیست؟ یا همین تعداد سر باز داخلی و خارجی در جهت حفظ اوضاع کنونی کار میکنند؟! با گذشت تقریباً هشت سال از موجودیت نیرو های خارجی و تشکل حکومت مرکزی کابل و به اصطلاح مساعده های چند ملیارد دالری به کشور، تا امروز وضعیت اقتصادی اکثریت مردم افغانستان بهبود نیافته است و هیچ کس نمیداند که این همه مساعده ها به کجا رفته است ؟

اصولاً دولت کرزی هیچکاره است . تصمیم های نهایی در جای دیگر اتخاذ میشود و دولت امریکا ، خود ، محصول نظرات سازمانهای دیگری است . ستراتیژی های نظامی دولت را ( پنتاگون و سازمان سیا) به عهده دارند تا نظم نوین جهانی را متحقق سازند . آنها نه تنها با سازمان اتلانتیک شمالی ، بلکه با رهبران صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی ارتباط ارگانیک و اندام وار دارند. مؤسسات مالی بین المللی پول که در واشنگتن مستقر هستند و در ارتباط تنگاتنگ با وال ستریت و مجمع های نظامی و صنعتی امریکا قرار دارند. . . " ( میشل شودوفسکی)

پس ، اینان صاحبان اصلی قدرت در افغانستان هستند ، نه کرزی و عناصر دست نشانده دیگر. به یقین کامل که ایالات متحده ، انگلیس و متحدان آنها قصد دارند تا حضور نظامی شان را در افغانستان، اگر با مقاومت جدی مردم رو برو نباشند، به صورت دایمی در آورند. چنانکه در گذشته این خیال باطل را تمام قدرت های جهانخوار هم داشتند و از آن جمله قدرت امپریالیستی روس. در چنین اوضاع و احوالی که دولت افغانستان ، دولت دست نشانده ای بیش نیست و سیاست های عمده آنرا منابع امریکائی و خارجی تنظیم و شکل دهی میکنند ، اینجاست که ضرورت تنظیم سیاست های راهبردی سیاسی برای گروپ ها و جمعیت های میهن پرست و نیرو هائی که خواهان استقلال ملی و آزادی کشور هستند ، لازمی و عمده میگردد.

میراث گرانبهای شهید مجید در امر مبارزه علیه استعمار و تجاوز ، برای ما رهنمود دهنده نیکی است که باید از آن آموخت و برای امر مبارزه ی امروز از آن استفاده کرد . مجید و سایر پیشگامان سازمان همواره بر این عقیده بوده اند که مبارزه خارج از کشور به مثابه پشت جبهه در امر کار و پیکار ، مفیدیت هائی دارد، اما به هیچ وجه پایه اساسی مبارزه را نه می سازد. در شرایط کنونی کشور ما هر

سازمان و جناحی که بخواهد دست اول را در امر مبارزه داشته باشد، بایستی در میدان پیکار حضور داشته باشد، در غیر آن از دور دست بر آتش داشتن ، دست آوردی ندارد. نقطه دوم اینکه کسانی که خلاف میعار های انقلابی ، از راه های مختلف با قدرت سیاسی موجود در افغانستان همکاری میکنند ، این را بخاطر داشته باشند که با موازین و ضابطه های پیشگامان ، به خصوص مجید شهید و شهید قیوم رهبر و سایر پیش کسوتان همگام نیستند و از منش شناخته شده پیش روان دوری جسته اند و نیاز دارند تا بر منشی که برگزیده اند ، تجدید نظر نمایند.

**گرامی باد خاطر ه تابناک شهدای راه آزادی !**

**به پیش به سوی وحدت ملی !**

**روشنفکران و آزادگان ، به خاطرنجات مادر میهن از یوغ استعمار و ارتجاع بپا خیزید !**

**دست تجاوزگران از افغانستان کوتاه باد !**